

تحلیل و بررسی ویژگیهای سبکی پندنامه عطار نیشابوری

محمدهادی مرادی

دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی، مدرس مدعو دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۲، صص ۲۰۵-۱۷۹

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8227>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: پندنامه اثری تعلیمی - اخلاقی از فریدالدین عطار نیشابوری است که از آثار برجسته مشتمل بر پند و اندرز در ادب فارسی بشمار میرود. این اثر با زبانی موجز و اندرزگونه به تبیین آموزه‌های اخلاقی و دینی میپردازد. هدف پژوهش حاضر بررسی سبک‌شناسانه این اثر در سطوح زبانی، ادبی و فکری است. مسأله اصلی این پژوهش، تبیین ویژگیهای سبک‌شناسانه پندنامه در سطوح مختلف سبکی است تا چگونگی تأثیر عناصر زبانی و ادبی در انتقال مفاهیم اخلاقی و تعلیمی این اثر را مشخص نماید.

روش تحقیق: روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه سندکاوی صورت گرفته است. بدین شکل که متن پندنامه در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری بررسی شده و نتایج بشکل نمودار آماری ارائه گردیده است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سطح زبانی، بسامد واژگان انتزاعی و اصطلاحات دینی در پندنامه بیش از واژگان حسی است و این امر با ماهیت تعلیمی و دینی اثر، متناسب است. در سطح نحوی، هنجارشکنیهایی چون جابه‌جایی فعل و تقدیم و تأخیر اجزای جمله بسامد بالایی دارد و وجه‌های خبری و امری بیشترین بسامد را دارند. از نظر آوایی، وزن این منظومه رمل مسدس محذوف است و تنوع قافیه و ردیف و کاربرد گسترده انواع سجع، جناس و تکرار، به موسیقی و تأثیرگذاری اثر افزوده است. همچنین در سطح ادبی، آرایه‌هایی همچون تشبیه، کنایه، تضاد و سیاقه‌الاعداد بیشترین بسامد را داشته‌اند.

نتایج تحقیق: نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که میان سطوح مختلف زبانی و ادبی با محتوای اخلاقی - تعلیمی پندنامه هماهنگی معناداری وجود دارد و عناصر سبکی در خدمت تقویت پیامهای تعلیمی و تربیتی و اندرزگونه اثر قرار گرفته‌اند.

تاریخ دریافت: ۱۱ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۴ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۳۱ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۲ خرداد ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

پندنامه، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری. عطار نیشابوری.

* نویسنده مسئول:

moradi99hadi@gmail.com

☎ (۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis and Study of the Stylistic Features of Pandnameh by Attar Neyshaburi

M.H. Moradi

A graduate of Persian Language and Literature, guest lecturer of Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 March 2026

Reviewed: 03 April 2026

Revised: 20 April 2026

Accepted: 02 June 2026

KEYWORDS

Advice, stylistics, linguistic level, literary level, intellectual level. Attar Neyshabur

*Corresponding Author

✉ moradi99hadi@gmail.com

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Pandnameh is an educational-moral work by Farid al-Din Attar Neyshaburi, which is considered one of the prominent works containing advice and counsel in Persian literature. This work explains moral and religious teachings in a concise and admonishing language. The aim of the present study is to study the stylistic features of this work at the linguistic, literary and intellectual levels. The main issue of this study is to explain the stylistic features of Pandnameh at different stylistic levels in order to determine how linguistic and literary elements affect the transmission of moral and educational concepts in this work.

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical and based on library studies and document mining. In this way, the text of Pandnameh was examined at different linguistic, literary and intellectual levels, and the results were presented in the form of a statistical diagram.

FINDINGS: The research findings indicate that at the linguistic level, the frequency of abstract words and religious terms in the admonition is higher than that of sensory words, and this is in line with the educational and religious nature of the work. At the syntactic level, violations of norms such as verb transposition and the introduction and delay of sentence components are highly frequent, and the news and imperative aspects are most frequent. Phonetically, the weight of this poem is the omitted rhyming system, and the variety of rhyme and line and the extensive use of alliteration, puns, and repetition have added to the music and impact of the work. Also, at the literary level, devices such as simile, allusion, contrast, and number order have the highest frequency.

CONCLUSION: The research results indicate that there is a meaningful harmony between the different linguistic and literary levels and the moral-educational content of the admonition, and stylistic elements have served to strengthen the educational and educational and admonishing messages of the work.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8227>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 29	 0	 0

مقدمه

شعر و ادبیات فارسی همواره عرصه‌ای گسترده برای ظهور انواع سبکهای دوره‌ای و فردی بوده است؛ بصورتی که میتوان گفت هر اثر ادبی، آینه‌ای تمام‌نما از ویژگیهای زبانی، ادبی و فکری روزگار خود و نیز خالق آن است. در دوران معاصر، محققان ادبیات فارسی با بهره‌گیری از نظریه‌های متنوع و نوین سبک‌شناسی تلاش نموده‌اند تا با استفاده از ابزارهای تحلیلی دقیقتر، لایه‌های پنهان معنایی و سبکی آثار را آشکار نمایند. بررسی سبک‌شناسانه آثار در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری از جمله نظریات نوینی است که با رویکردی چندوجهی اثر را در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری مورد تحلیل و واکاوی قرار میدهد. این روش ابزاری کارآمد جهت سنجش و درک عمیقتر و دقیقتر آثار ادبی است. بر طبق مبانی سبک‌شناسی، هر اثر ادبی این قابلیت را دارد که در سطوح مختلف آوایی، لغوی، گفتمانی و بلاغی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. در واقع میزان توانایی شاعر در پرداختن به هر کدام از این لایه‌ها می‌تواند ممیزه‌ای برای میزان مهارت او قرار گیرد و هر اندازه که تنوع و قدرت شاعر در لایه‌های مختلف، بیشتر باشد، به‌طور قطع تبحر او در امر شعرسرایی و نثر نویسی نیز افزایش می‌یابد (ر.ک افکاری و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۳). این مقاله با تکیه بر نظریه سبک‌شناسی لایه‌ای، به دنبال آن است تا مؤلفه‌های سبکی منحصر به فرد عطار نیشابوری در منظومه «پندنامه» را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد تا به درک جامع‌تری از سبک این اثر دست یابد. فریدالدین عطار نیشابوری از برجسته‌ترین شاعران زاهد و عارف سده ششم هجری در ادبیات فارسی است که در کدکن از توابع نیشابور چشم به جهان گشود و در جریان حمله مغول به قتل رسید. پیشه او عطاری (داروسازی) بود که آن را از پدرش آموخته بود (ر.ک زرین‌کوب، ۱۳۷۸: صص ۲۵ - ۲۷).

منظومه «پندنامه» اثر شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، یکی از آثار برجسته در حوزه ادبیات تعلیمی و عرفانی فارسی، است که بررسی آن از نظر سبک‌شناسی میتواند راهگشای پژوهشگران حوزه ادبیات فارسی باشد. با وجود اهمیت این اثر، تحلیل جامع و عمیق سبک‌شناختی آن، بویژه با تکیه بر نظریه‌های نوین سبک‌شناسی، همچنان جای کار دارد. این مقاله در پی آن است تا با بکارگیری چارچوب سبک‌شناسی، مؤلفه‌های سبکی منحصر بفرد پندنامه را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا بدرک دقیق‌تری از سبک این اثر دست یابد. در این مقاله برآنیم تا به این سؤالات اساسی پاسخ دهیم که مهمترین مؤلفه‌های سبکی در سطح زبانی پندنامه عطار کدامند؟ ویژگیهای سبکی اثر در سطح ادبی در پندنامه چگونه نمود یافته‌اند؟ و اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقی عطار در سطح فکری در منظومه «پندنامه» چگونه است؟

نوآوری تحقیق

جنبه نوآوری پژوهش پیش‌رو در آن است که تا زمان نگارش این مقاله، تحلیلی جامع از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری بر روی منظومه پندنامه از عطار صورت نگرفته است.

روش مطالعه

روش تحقیق در این جستار توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش سندکاوی است. جامعه آماری پژوهش نیز منظومه پند نامه اثر عطار نیشابوری است که دارای ۷۲ عنوان و ۸۵۳ بیت است. در این پژوهش تمام ابیات این منظومه از منظر زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرد و نتایج با استفاده از نمودارها نشان داده میشود.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته تاکنون پژوهشی که پندنامه عطار را از منظر سبک‌شناسی در سطوح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی و واکاوی قرار دهد یافت نشده است، اما در مورد معرفی پند نامه بعنوان اثری منسوب به عطار و نیز سبک‌شناسی آثار دیگر عطار پژوهشهایی صورت گرفته که در ادامه به آنها اشاره میکنیم:

بهرامی رهنما (۱۴۰۲). در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی منطق‌الطیر عطار بر اساس آرای هلیدی» به بررسی سبک‌شناسی منطق‌الطیر از منظر آرای هلیدی پرداخته و نتیجه گرفته است که عطار نسبت به دیگر شاعران دارای تشخیص سبکی است.

نوشادی فرد (۱۴۰۲) در مقاله «مطالعه سبک شخصی عطار در قلندریات و خمریات بر اساس واکاوی عناصر شعری» به این نتیجه رسیده است که استفاده از صورت امری جملات، عنصر تکرار، توجه به مضامین اجتماعی و استفاده از کنایه و مجاز از مهمترین ویژگیهای سبکی عطار در قلندریات و خمریات اوست.

فطوره چی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «سراینده پند نامه کیست؟» پند نامه را بعنوان یک اثر ارزشمند اخلاقی از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که این مثنوی از نظر ساختارهای کلامی با آثار منظوم عطار مشابهتهای کاملی دارد و بررسی مفاهیم و مضامین و اشارات مشترک در پند نامه و آثار دیگر عطار، نفوذ و اندیشه عطار را در پندنامه نشان میدهد.

سجادی (۱۳۷۵). در مقاله «پندنامه عطار و چند اثر منسوب به او» در مورد آثاری که منسوب به عطار هستند توضیحاتی ارائه داده است و در مورد مثنوی پندنامه نیز بیان داشته که این مثنوی از دیرباز به نام عطار معروف بوده و برای صحت انتساب این اثر به عطار می‌گوید که در کتب و مقالات متعددی آمده که این اثر منسوب به عطار است از جمله در مقاله محمد حسین فروغی پدر محمد علی فروغی که شاید قدیمی‌ترین پژوهش در مورد عطار در دوران معاصر باشد.

حاکمی (۱۳۷۴) در مقاله «مروری بر پندنامه عطار» در متنی کوتاه به بررسی پندنامه عطار پرداخته و نتیجه گرفته است که پندنامه از منظر مضمون و نیز قالب شعری تا حدودی به منطق‌الطیر شباهت دارد اما از نظر فنون شعری به پای آن نمیرسد.

بحث و بررسی

سبک، شیوه و طرز بیان ویژه هر نویسنده یا شاعر است که در واژگان، جمله‌ها، تخیل و تصویرپردازیها و نیز اندیشه‌های فکری او نمود پیدا میکند. میتوان گفت که سبک هر اثر ویژگیهای زبانی و هنری آن است که میتواند آن را از آثار دیگر متمایز سازد. زرین کوب در مورد سبک میگوید: «سبک شیوه‌ای خاص در نزد هر گوینده، و طرز فکر و مزاج و طبع اوست» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۷۶). در سبک‌شناسی آثار ادبی، به تحلیل و تبیین ویژگیهای منحصر به فرد هر اثر در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری پرداخته میشود. در سطح زبانی ساختار جملات، نحو، و انواع موسیقی مورد بررسی و واکاوی قرار میگیرد تا آشکار شود که شاعر یا نویسنده چگونه از زبان برای بیان منظور خود استفاده نموده است. در سطح ادبی، اثر از منظر عناصر بدیعی و بیانی مورد بررسی قرار میگیرد. سطح فکری نیز به بیان اندیشه‌ها، مفاهیم، جهان‌بینی، و مضامین اصلی اثر مورد بررسی میپردازد تا درک عمیق‌تری از محتوا و پیام اثر بدست آید. بررسی این سه سطح بهم مرتبط هستند و در مجموع با واکاوی یک اثر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری سبک منحصر به فرد آن مشخص خواهد شد.

پیرامون پندنامه

پند نامه اثری اخلاقی - تعلیمی است که عطار آن را در قالب مثنوی سروده است. پند نامه در چاپ سیلستر دوساسی ۸۵۳ بیت و ۷۹ عنوان را در بر میگیرد که با ستایش پروردگار آغاز میگردد. شاعر در ابتدای اثر به بیان نشانه‌های قدرت و عظمت خداوند میپردازد، سپس به داستان پیامبرانی چون نوح، لوط، ابراهیم و یونس و... اشاره میکند و در ادامه بتوصیف فضایل و اوصاف پیامبر گرامی اسلام (ص) میپردازد. پس از آن تا به انتهای اثر تعلیم اخلاقی و پند در مورد آداب معاشرت و زندگی را ذکر میکند. «پندنامه عطار اگر چه از نظر مضمون و قالب شعری تا حدودی به منطق الطیر شباهت دارد. ولی از لحاظ فنون شعری به پای آن نمیرسد. پندنامه را باید گنجینه‌ای از تعلیم اخلاقی محسوب داشت. این کتاب مشتمل است بر اندرزهایی در آداب معاشرت» (حاکمی، ۱۳۷۴: ص ۶۸). زبان عطار در این اثر بسیار ساده و روان است تعلیم اخلاقی در پندنامه در ۷۹ عنوان آمده‌اند که هر عنوان آن به یک پند خاص اختصاص یافته است. پندها به وجه اخباری و امری بیان شده‌اند و دارای ترتیبی درونی هستند. در اغلب موارد بیت اول هر عنوان با خطاب‌هایی همچون ای عزیز، ای وحید، ای برادر، ای پیر، ای خلیل و... آغاز شده است. و شاعر دو، سه، چهار، پنج و شش شرط را برای ترک صفات مذموم برشمرده تا آنچه را از دیدگاه اخلاق اهمیت داشته است را به همگان گوشزد نماید (ر.ک فطوره‌چی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۳). در انتساب این اثر به عطار نیشابوری نباید تردید کرد و باید این اثر را از او دانست چرا که بیانش بشیوه اصلی سخن عطار بسیار نزدیک است و مطالب آن نیز میتواند از عطار باشد. این مثنوی دارای آوازه‌ای جهانی است و به زبانهای مختلفی چون اردو، تازی، ترکی، و هندی ترجمه شده است و همه جا به پندنامه عطار معروف است و شناخته میشود و این شهرت را نمیتوان از آن سلب کرد (ر. ک همان: ۱۴۴ و ر.ک سجادی، ۱۳۷۵: ص ۲۷۱).

تحلیل داده‌ها

سطح زبانی

سطح زبانی در سبک‌شناسی خود به سه بخش کوچکتر شامل سطح لغوی، سطح نحوی و سطح آوایی تقسیم میشود. که در ادامه به بررسی هر یک از این سه سطح در منظومه پندنامه به صورت جداگانه میپردازیم.

سطح لغوی (واژگانی)

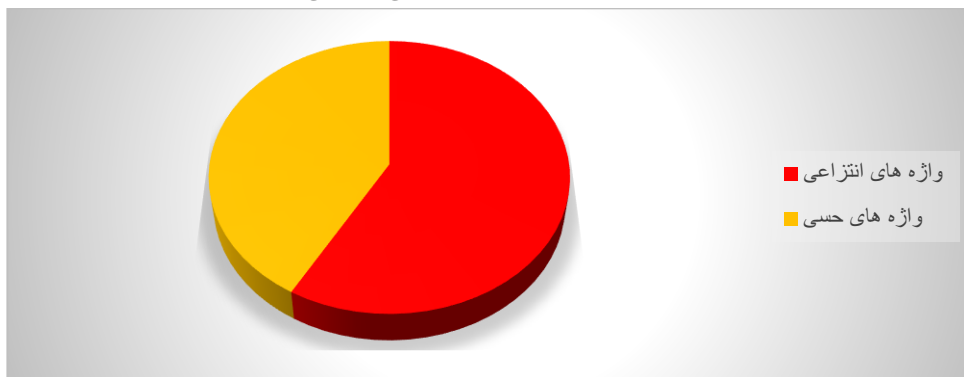
سطح لغوی، واژگان و کلمات به کاررفته در اثر را از نظر واژگان انتزاعی و حسی، کلمات عامیانه، کلمات کهنه و فاخر، کلمات تازه (واژه سازی) و... مورد تحلیل و بررسی قرار میدهد.

واژگان انتزاعی و حسی: واژگانی که باورها، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی را بیان کنند، انتزاعی و کلماتی که بر چیزهای واقعی، بیرونی و حسی دلالت نمایند، واژگان عینی و حسی هستند. فراوانی واژه‌های عینی، سبک اثر را حسی و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی شدن سبک اثر میشود (ر.ک فتوحی رودمجبی، ۱۳۹۱: ص ۲۵۱). بسامد استفاده از واژگان انتزاعی نسبت به واژه‌های حسی در پندنامه عطار فراوان است.

تا شوی پیش از همه در روزگار دست بر نان و نمک بگشاده دار
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۶۶)

باش از بخل بخیلان برحذر تا نسوزد مر تورا نار سقر
(همان: ص ۷۴)

نمودار شماره (۱) بسامد واژه‌های انتزاعی و حسی در پندنامه



کلمات عامیانه و کهنه: بسامد استفاده از کلمات عامیانه در پندنامه زیاد نیست و با بررسیهای انجام شده جز چند مورد در پند نامه ذکر نشده است.

مُدبری کو رو به دنیا آورد بهره کی از عالم عقبی برد
(عطار، ۱۳۷۳:ص ۶۱)

کلمات کهنه و متروک نیز در پندنامه به کار رفته است، اما بسامد چندان بالایی ندارد:

خُلُق خود را دور دار از هر مزه تا نیفتی در وبال و در بزه
(همان:ص ۵۷)

مرد ره را بوریا قالین بُود زانکه خشتش عاقبت بالین بُود
(همان:ص ۵۸)

این نکته را باید ذکر کرد که برخی از ویژگیهای سبک خراسانی در پندنامه عطار مشهود است، مانند استفاده از کاف تصغیر برای تحقیر در کلمه «نفسک» (ر.ک عطار، ۱۳۷۳:ص ۶۰). و «خوشرک» (همان:ص ۱۰۲). آوردن «همی» بر سر فعل مانند «همی‌خواهی» (همان: ۸۹). استفاده از افعالی همچون «بُود» (همان: ۶۱). استفاده از «م» به جای «ن» در افعال نفی «مکن» (همان: ۶۲). «مگو» (همان: ۷۸). «مزن» (همان:ص ۹۳). استفاده از اندر به جای در، «اندر آن دم» (همان:ص ۵۰). و استفاده از کلمات مخفف است مانند «چار» به جای چهار (همان:ص ۵۹). و حذف ب بر سر فعل امر «دار» به جای بدار (همان:ص ۹۱). آوردن «مر» برای تأکید به همراه مفعول «مر تو را» (همان:ص ۶۲). کاربرد فعل بصورت وجه مصدری «بگشادن» (همان: ص ۸۰).

واژه‌سازی (ترکیبات نو): ساخت ترکیبات خاص یکی از مسائلی است که هر شاعری در هر دوره کوششی هر چند اندک در راه آن داشته است (ر.ک شفیع‌کدکنی، ۱۳۷۶:ص ۶۴). عطار در پندنامه از ترکیباتی تازه و نو استفاده کرده که تلاش او را در ساخت واژه‌های جدید نشان میدهد هر چند که این کوشش او اندک است و این ترکیبات خاص بسامد بالایی در پندنامه ندارند.

دل ز پُر گفتن بمیرد در بدن گرچه گفتارش بود دَرّ عدن
(عطار، ۱۳۷۳:ص ۵۲)

چون شکم را پاک داری از حرام مرد ایماندار باشی، والسلام
(همان:ص ۵۳)

کاربرد کلمات عربی: با توجه به اینکه پندنامه عطار، مضمونی تعلیمی و اخلاقی دارد استفاده از واژه‌های عربی در آن به نسبت زیاد است و استفاده از کلمات و اصطلاحاتی دینی همچون مؤمن، ایمان، حسد، اخلاص، حرام، توکل، خوف، اماره، اعزاز، صواب، حذر، قربت، کافر، لذات، نفس قابل توجه است (ر.ک عطار، ۱۳۷۳: صص ۵۳ - ۵۷).

سطح نحوی

سطح نحوی زبان بمباحثی همچون چگونگی کاربرد افعال، جملات، وجهیت در فعل و... میپردازد. در این سطح گاهی سیاق عبارات و طرز جمله‌بندی و نحوه بیان مطلب از نظر جمله‌بندی مورد توجه قرار میگیرد و همین به نوشته تا حدی وجهه سبکی خواهد داد (ر.ک شمیسا، ۱۳۷۳: ص ۱۵۶).

ترتیب اجزای جمله: یکی از شاخصه‌های سبکی در لایه نحوی نحوه چیدمان واژه در جمله است که به دو شکل دیده میشود، نخست چیدمان طبیعی (فاعل، مفعول، فعل) و اگر این چیدمان بهم بخورد چیدمان غیرطبیعی خواهد شد (ر.ک ذوالفقاری و دیگران، ۱۴۰۳: صص ۵۲). با بررسیهای بعمل آمده در پندنامه مشخص شد که در بیشتر جملات پند نامه هنجارشکنی دیده میشود و درصد کمی از جملات دارای نظم دستوری هستند.

تقدیم فعل: تقدیم فعل در پند نامه پس از جابه‌جایی فعل بیشترین بسامد را دارد.

میفزاید عمر مرد از چار چیز این نصیحت بشنو، ای جان عزیز
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۷۷)

جابه‌جایی فعل: زمانی که شاعر فعل را در وسط جمله بیاورد، نظم جمله بهم ریخته و هنجارشکنی صورت میگیرد. با توجه به بررسیهای صورت گرفته جابه‌جایی فعل بیشترین بسامد را در جملات پندنامه دارد.

پُر مخور اندوه مرگ، ای بوالهوس چونکه وقت آید، نگردد پیش و پس
(همان: ص ۸۱)

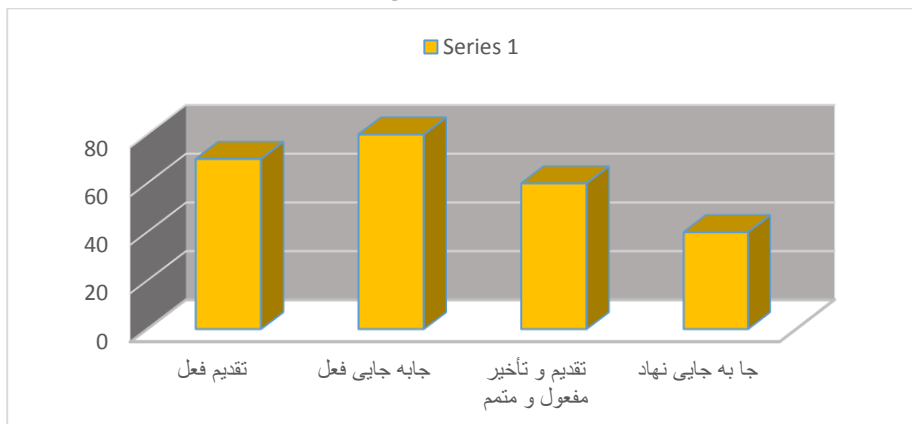
تقدیم و تأخیر مفعول و متمم: تقدیم و تأخیر مفعول و متمم پس از تقدیم فعل بیشترین بسامد را در پندنامه عطار دارد.

زیر پای آور هوای نفس را کم بدو ده بهرهای نفس را
(همان: ص ۵۷)

جابه‌جایی نهاد: در مقایسه با سایر اجزای جمله جابه‌جایی نهاد کمتر صورت گرفته است.

خواب کم کن اول روز ای پسر نفس را خوردن میاموز، ای پسر
(همان: ص ۱۰۱)

نمودار شماره (۲) بسامد جابه‌جایی اجزای جمله در پند نامه



وجهیت: یکی از لایه‌هایی که در سطح نحوی در سبک‌شناسی اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد وجهیت است. از طریق فعل جمله وجهیت مورد بررسی و تشخیص قرار می‌گیرد. در واقع «وجه فعل صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشید ورد، ۱۳۸۲: ص ۳۸۱).

وجه خبری: در وجه خبری جملات از وقوع و انجام کاری یا بودن و پذیرفتن حالتی به اثبات یا نفی بصورت قطعی یا غیر قطعی خبر می‌دهند» (ذوالفقاری و دیگران، ۱۴۰۳: ۵۳). وجه خبری در پندنامه بیشترین بسامد را دارد. عاقبت رسوایی آید از لجاج خشم را نکند پشیمانی علاج (عطار، ۱۳۷۳: ص ۷۱)

وجه امری: زمانیکه در یک جمله به انجام دادن یا ندادن کاری یا صورت پذیرفتن حالتی، امر شود یا خواهش و دعا در آن مطرح شده باشد جمله وجهی امری دارد (ر.ک شفقت و مستعلی پارسا، ۱۴۰۳: ص ۱۹۲ و شفقت، ۱۳۹۶: ص ۱۲۷) وجه امری پس از وجه خبری بیشترین بسامد را در پند نامه دارد با توجه به اینکه عطار در پندنامه مخاطب خود را به رعایت اخلاق دعوت می‌کند این وجه در پندنامه با اختلاف اندکی با وجه خبری در پندنامه بسامد بالایی دارد.

از فرومایه مُراد خود مجوی تا نیاید مر تو را خواری به روی (عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۳)

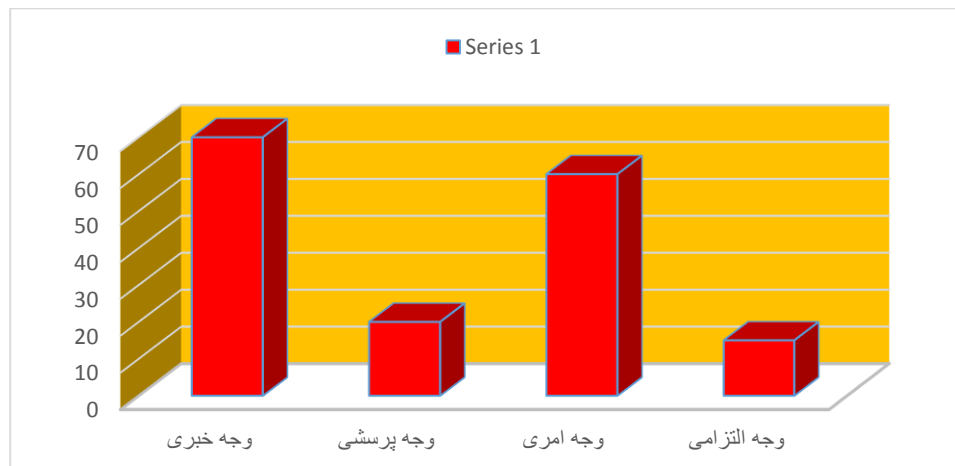
وجه پرسشی: زمانی که جمله سؤالی باشد جمله دارای وجه پرسشی است (ر.ک ذولفقاری و دیگران، ۱۴۰۳: ص ۵۳). این وجه بسامد کمی در پندنامه دارد.

بهترین خُلق میدانی که راست؟ آنکه داد انصاف و انصافش نخواست (عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۲)

وجه التزامی: هنگامی که «وقوع کاری به صورت شرط، آرزو، خواهش، دعا، نفرین صورت پذیرد وجه فعل التزامی است» (ذوالفقاری و دیگران، ۱۴۰۳: ۵۳). این وجه نیز در پند نامه بسامد بالایی ندارد.

چشم دارم کز گنه پاکم کنی پیش از آن کاندر جهان خاکم کنی (عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۰).

نمودار شماره (۳) بسامد انواع وجهیت در پندنامه



ساختمان جمله: از دیگر بررسیهای سبک‌شناسانه در لایه نحوی این است که ساختمان جمله از نظر کوتاهی و بلندی جملات بررسی میشود.

جملات ساده و کوتاه: این نوع جملات پس از جملات وابسته بیشترین بسامد را در پندنامه دارند.

بندهایی را از سر مینهد دیگری را تاج بر سر مینهد
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۴۷)

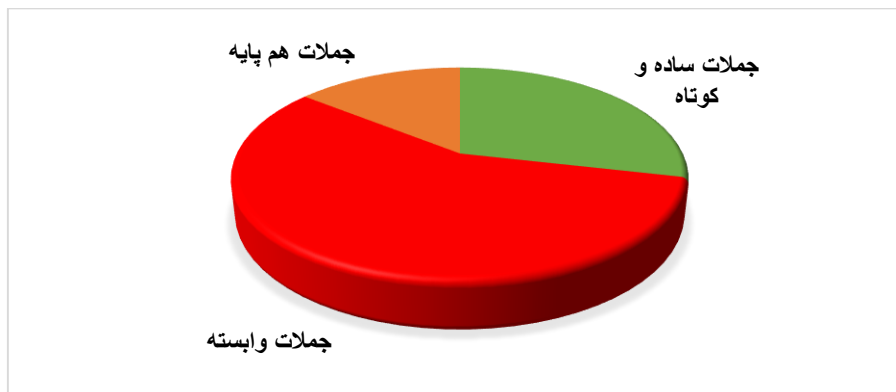
جملات وابسته: در پندنامه جملات وابسته بیشترین بسامد را دارند.

گر همیخواهی که باشی رستگار رُخ مگردان، ای برادر، از سه کار
(همان: ص ۸۵)

جملات همپایه: جملات همپایه در پندنامه کمترین بسامد را دارند.

با طهارت باش و پاکی پیشه کن وز عذاب گور نیز اندیشه کن
(همان: ص ۹۴)

نمودار شماره (۴) بسامد انواع جمله در پندنامه



سطح آوایی

در سطح آوایی زبان، اثر مورد نظر از منظر موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (قافیه و ردیف) و موسیقی درونی (سجع و جناس) تحلیل میشود.

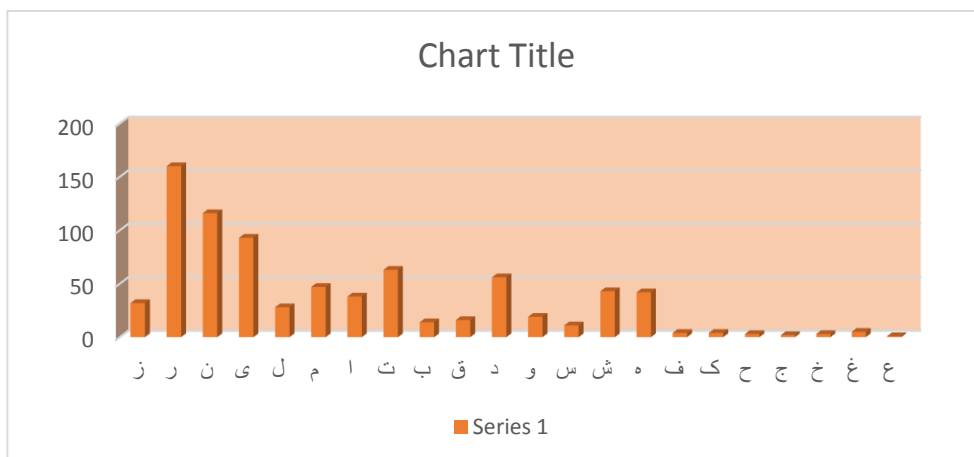
موسیقی بیرونی: در موسیقی بیرونی، وزن شعر مورد بررسی قرار میگیرد. شفيعی کدکنی در تعریف وزن چنین میگوید: «وزن هیأتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات و تناسب آن در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیأت، لذتی مخصوص یابد که آن را موضع وزن خوانند» (شفيعی کدکنی، ۱۳۷۰: ص ۳۹). با بررسی‌های صورت گرفته در مورد وزن منظومه پندنامه، مشخص گردید که عطار این اثر را به وزن کوتاه رمل مسدس محذوف یا فاعلاتن فاعلاتن فاعلن سروده که وزن منطق‌الطیر عطار و نیز مثنوی مولانا نیز هست و برای مطالب عرفانی و تعلیمی و پند کاربرد دارد.

موسیقی کناری: منظور از موسیقی کناری همان هماهنگی دو کلمه یا دو حرف در آخر مصراع‌هاست یعنی قافیه و ردیفی که در پایان مصراع‌ها سبب ایجاد موسیقی در شعر می‌شوند (ر.ک شفيعی کدکنی، ۱۳۵۹: ص ۹۵). به کلمات آخر ابیات که آخرین حرف اصلی آن‌ها یکی باشد و به آن شرط که کلمات عیناً تکرار نشده باشند، قافیه گفته می‌شود (ر.ک محسنی، ۱۳۸۵: ص ۱۶۸). ردیف نیز کلمه، ترکیب یا جمله مستقلى است که بعد از قافیه عیناً و در یک معنا تکرار می‌شود (ر. ک مددی، ۱۳۸۵: ص ۱۶۸). عطار در پند نامه در مجموع از ۲۱ حرف روی در قافیه‌سازی استفاده کرده است که در این میان حرف روی «ر» با ۱۶۰ مورد و حرف روی «ع» با ۱ مورد به ترتیب پربسامدترین و کم بسامدترین حرف روی مورد استفاده عطار در قافیه‌سازی منظومه پندنامه بوده‌اند. و اینکه عطار در این منظومه از حروف پ، ث، چ، ذ، ژ، ص، ض، ط، ظ و گ در قافیه‌سازی استفاده نکرده است.

از دو کس پرهیز کن ای هوشیار تا نبینی نکبتی در روزگار
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۲)

خوف و اندوه است قوتِ بندگان غم شود یارِ فرح جویندگان
(همان: ص ۱۰۰)

نمودار شماره (۵) بسامد انواع قافیه در منظومه پندنامه

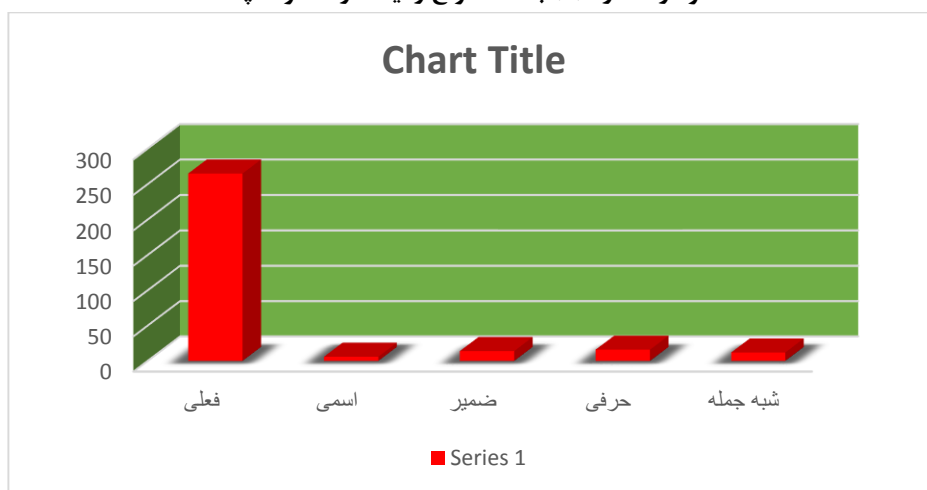


با بررسی منظومه پند نامه از مجموع ۸۵۳ بیت، ۳۱۳ بیت آن مردف است که ۳۶/۶۹ درصد از اشعار را بخود اختصاص داده است. عطار در این اثر از ردیفهای متنوعی همچون ردیف فعلی، اسمی، حرفی، ضمیر و شبه جمله استفاده کرده است که در این میان ردیف فعلی بیشترین بسامد و ردیف اسمی کمترین بسامد را دارد.

هر که آهنگ سبکساری کند از وی، آب روی بیزاری کند
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۷۸)

فخر جمله کارها نان دادن است در به روی دوستان بگشادن است
(همان: ص ۸۰)

نمودار شماره (۶) بسامد انواع ردیف در منظومه پندنامه



موسیقی درونی: در موسیقی درونی آرایه‌های بدیع لفظی شامل انواع سجع، جناس و تکرار واج و واژه، مورد بررسی قرار میگیرد. شمیسا معتقد است که بدیع لفظی موسیقی درونی شعر را ایجاد میکند و اینکه در بدیع لفظی

موسیقی درونی شعر یعنی توجه به الفاظ و صداها بدون توجه به معنی مورد نظر است (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۲۴). عطار در پندنامه از انواع سجع، جناس، تکرار به‌ویژه تکرار واج یا همان واج‌آرایی و نیز تکرار واژه (تصدیر) جهت ایجاد موسیقی درونی استفاده کرده است.

سجع: سجع در سطح دو یا چند کلمه (یک جمله) یا در سطح دو یا چند جمله (کلام) موسیقی و هماهنگی بوجود می‌آورد و با موسیقی کلام را افزایش می‌دهد. در تسجیع دو نکته تساوی یا عدم تساوی هجاها و همسانی یا عدم همسانی آخرین واک اصلی کلمه (روی) مورد توجه است (همان: ص ۳۳). عطار در پندنامه از انواع سجع متوازی، متوازن و مطرف استفاده کرده است. سجع مطرف در پندنامه بسامد بیشتری نسبت به انواع دیگر سجع دارد.

سجع متوازی: در سجع متوازی کلمات از نظر وزن و حرف روی یکسان هستند.

هر که پیش مقبلان خدمت کند ایزدش با دولت و حرمت کند
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۹۰)

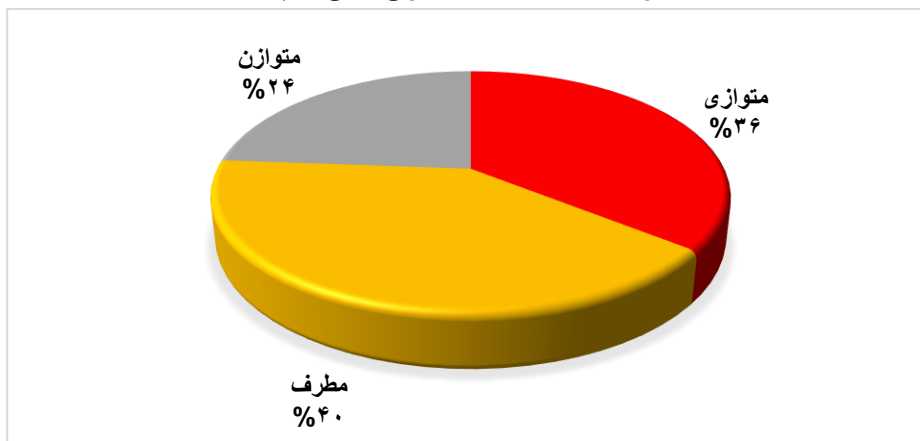
سجع مطرف: در سجع مطرف دو کلمه از نظر وزن متفاوت اما حرف روی در آن‌ها یکسان است. این نوع سجع بیشترین بسامد را در پندنامه دارد.

در جوانی دار، پیران را عزیز تا عزیز دیگران باشی تو نیز
(همان: ص ۱۰۷)

سجع متوازن: در این نوع سجع کلمات از نظر وزن یکسان اما از نظر حرف روی متفاوت هستند.

هر که بر عیب خود بینا شود روح او را قوتی پیدا شود
(همان: ص ۵۲)

نمودار شماره (۷) بسامد انواع سجع در پندنامه



جناس: جناس در سطح کلمات یا جملات، هماهنگی و موسیقی ایجاد مینماید و موسیقی کلام را افزایش می‌دهد. این روش بر نزدیکی هر چه بیشتر واک‌ها مبتنی است، بشکلی که کلمات همجنس بنظر آیند یا آنکه همجنس بودن واژه‌ها بذهن متبادر شود (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۴۹). عطار در پندنامه از انواع جناس زاید، اشتقاق، مضارع، مرکب، تام و خط استفاده کرده است که در این میان جناس زاید بیشترین بسامد را دارد.

جناس زاید: در توضیح جناس زاید شمیسا میگوید که در این نوع جناس یکی از کلمات نسبت به دیگری یک یا دو هجا در ابتدا، وسط یا آخر اضافه دارد (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۶۱). این نوع جناس بسامد بالایی در پندنامه دارد. از نمونه‌های جناس زاید در پندنامه:

همچو صوفی در پلاس و صوف باش با صفتهای خدا موصوف باش
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۸)

روحشان در صدر جنت شاد باد قصر دین از علمشان آباد باد
(همان: ص ۵۰)

جناس مضارع: جناس مضارع همان سجع متوازی است بدین معنا که در «سجع متوازی اختلاف صامتهای آغازین بسیار کم باشد یعنی صامتها قریب‌المخرج باشند» (شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۵۴). از نمونه‌های آن در پندنامه:

زانکه داری اندک و بیش، ای پسر بُرد، باید، پیش درویش، ای پسر
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۹۲)

جناس تام: در جناس تام دو کلمه از نظر لفظ کاملاً بهم شباهت داشته باشند و اختلاف آنها تنها در معنی باشد» (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۴۹). از نمونه‌های آن در پند نامه:

خواب و خور جز پیشه انعام نیست خفتگان را بهره زین انعام نیست
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۸)

دور شو زان کس که خواهد از تو سود گر سر خود بر قدمهای تو سود
(همان: ص ۱۰۶)

جناس مرکب: شمیسا جناس مرکب را از فروع جناس تام میداند و معتقد است که دو نوع دارد در یکی، دو کلمه متجانس هم هجا (هم وزن) هستند اما در تکیه دارای اختلاف هستند، بدین معنا که به قول دستوریان یکی از آنها بسیط یا در حکم بسیط و دیگری مرکب است و اینکه در صورتی که هر دو کلمه متجانس مرکب باشند، بدان جناس ملفق یا متشابه گفته میشود (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۵۳).

نیست مردی، خویشتن آراستن قصد جان کرد آنکه او آراستتن
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۶۴)

جناس اشتقاق: در جناس اشتقاق کلمات اشتقاق یافته از یک ریشه مشترک هستند. همایی در مورد این جناس چنین میگوید: «آن است که حروف آنها متجانس و به یکدیگر شبیه باشد، خواه از یک ریشه مشتق شده باشند یا خواه از یک ماده مشتق نباشند» (همایی، ۱۳۸۲: ص ۷۴).

شکر، ناکردن زوال نعمت است بهره شاکر کمال نعمت است
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۷۳)

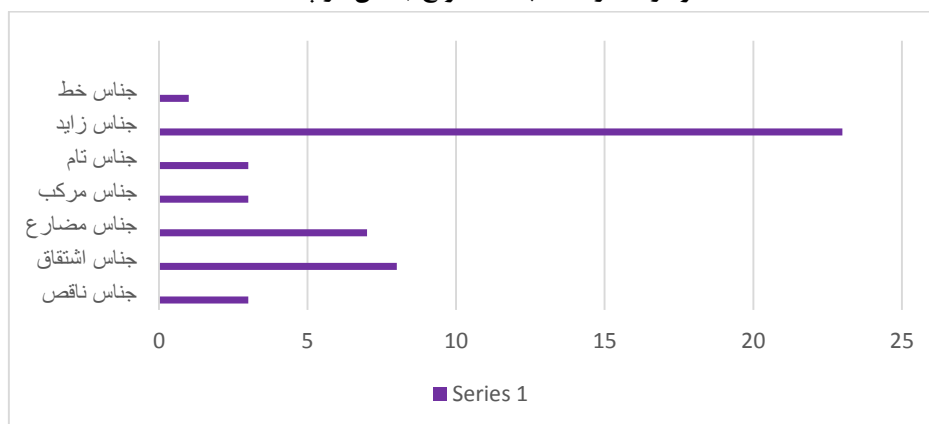
جناس ناقص: زمانی که دو کلمه از نظر مصوت کوتاه با هم اختلاف داشته باشند جناس ناقص ایجاد میشود. «اختلاف در مصوت کوتاه دو کلمه هم هجا و هم واک» (شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۵۶).

بهترین چیزها خلق نکوست خلق نیک را دارند دوست
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۱)

جناس خط: زمانی که دو کلمه از نظر نقطه مختلف باشند. «بین دو کلمه که به یک شکل نوشته میشوند در نقطه اختلاف است و چون در قدیم نقطه‌گذاری بطور دقیق صورت نمی‌گرفت، دو کلمه همجنس بنظر میرسید» (شمیسا، ۱۳۸۶: صص ۵۴ - ۵۵). این نوع جناس در پندنامه بسامد کمی دارد:

آن خداوندی که هنگام سحر کرد قوم لوط را زیر و زیر
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۴۷)

نمودار شماره (۸) بسامد انواع جناس در پندنامه



تکرار: یکی از شگردهای زیبایی‌آفرینی در کلام، تکرار است. تکرار، سبب ایجاد موسیقی شعر میشود و یکی از ارکان بنیادی در شعریت شعر محسوب میگردد (ر.ک وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ص ۱۷). در منظومه پندنامه عطار بیشتر از تکرار واج (یا واج آرایی) که همان تکرار هدفمند صامت و مصوت در شعر است، بیشترین استفاده را کرده است. بسامد استفاده از تکرار واژه (تصدیر) نیز در پندنامه قابل توجه است.

تکرار واج (واج آرایی): شمیسا واج آرایی را به دو نوع هم حروفی و همصدایی تقسیم میکند که منظور از هم حروفی تکرار صامت با بسامد بالا در جمله است و مقصود از همصدایی تکرار مصوت در کلمات است (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۷۴).

الف - هم حروفی:

تکرار صامت خ

معرفت حاصل کن ای جان پدر تا بیایی از خدای خود خبر
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۷)

تکرار صامت گ

چند خصلت آورد خواری به روی با تو گویم گر همیگویی: بگوی
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۷)

تکرار صامت ک

کم رود ذکر دروغش بر زبان از طریق کذب باشد بر کران
(همان: ص ۹۸)

ب - همصدایی:

تکرار مصوت بلند (ا)

دور باش، ای خواجه، از اهل نفاق در جهنم دان منافق را وثاق
(همان: ص ۹۸)

تکرار مصوت کوتاه ؤ

صحبت ظالم بسان آتش است زانکه خلق آزار و تند و سرکش است
(همان: ص ۱۰۵)

تکرار واژه : تکرار واژه یکی از آرایه‌های لفظی در شعر است که برای زیبایی و بلاغت سخن، تأکید و برجسته‌سازی معنا، ایجاد موسیقی و آهنگ، ماندگاری مفهوم در ذهن و سهولت درک مفاهیم بکار میرود. نام‌گذاری و اصطلاحات مربوط به این آرایه، بسته به جایگاه تکرار واژه در بیت یا مصراع، متفاوت است.

رد العروض الی الابتدا

یک دلیل دیگر آمد قلب پاک گر دلت پاک است نُبود هیچ باک
(همان: ص ۵۶)

رد الصدر الی الابتدا

هر که دارد این صفت، باشد شریف ور ندارد، دارد ایمان ضعیف
(همان: ص ۵۳)

رد العجز الی الصدر

معرفت فانی شده در وی بود هر که فانی نیست، عارف کی بود
عارف از دنیا و عقبی فارغ است ز آنچه باشد غیر مولی فارغ است
(همان: ص ۸۸)

رد الصدر الی العروض

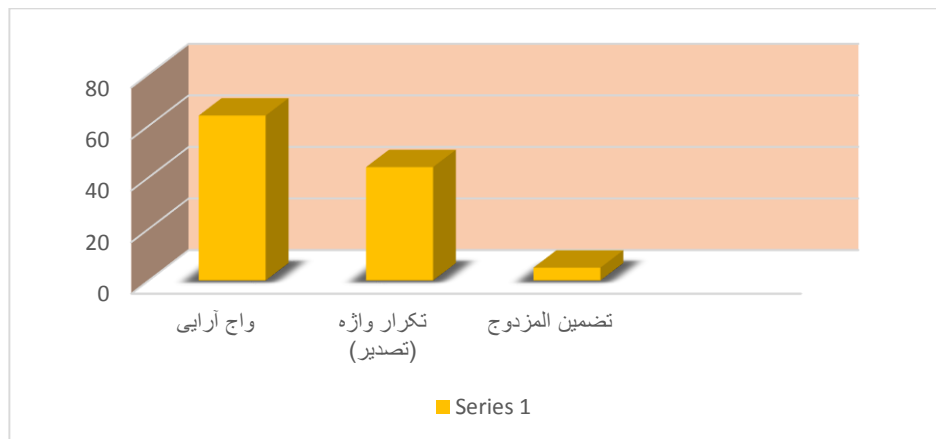
خوار گردد هر که گردد جاه جوی ای برادر، قرب این درگاه جوی
(همان: ص ۶۰)

رد الصدر الی العجز

قدر مردم را شناس ای محترم تا شناسند دیگران قدر تو هم
(همان: ص ۷۹)

تضمین‌المزدوج: آرایه تضمین‌المزدوج آن است که « در اثنای جمله نثر یا نظم، کلماتی را پیوسته یا نزدیک به یکدیگر بیاورند که در حرف روی موافق باشند» (همایی، ۱۳۸۲: ص ۴۷). این آرایه در پندنامه بسامد زیادی ندارد. صانعی کز طین سلاطین میکند نجم را رجم شیاطین میکند
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۴۸)

نمودار شماره (۹) بسامد انواع تکرار در پندنامه



سطح ادبی

در سطح ادبی آرایه‌های بدیعی و بیانی همچون آرایه‌های بدیع معنوی تناسب، تضاد، تلمیح، پارادوکس و... و آرایه‌های بیانی تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز در اثر مورد نظر بررسی و تحلیل می‌شود. در حقیقت در سطح ادبی به کاربردهای هنری کلمات و جملات و تخیل، صورخیال و تصویرسازیهای شاعرانه در پندنامه می‌پردازیم.

آرایه‌های بدیع معنوی

در بدیع معنوی آرایه‌هایی همچون تناسب، تضاد، پارادوکس، تلمیح، اقتباس، حس آمیزی و... بررسی می‌شود این آرایه‌ها موجب زیبایی شعر از نظر ارتباط‌های مفهومی و معنایی می‌شوند.

مراعات نظیر (تناسب): همایی در مورد این آرایه می‌گوید «آن است که در سخن اموری را بیاورند که در معنی با یکدیگر متناسب باشند، خواه تناسب آن‌ها از جهت همجنس بودن باشد و خواه از جهت مشابهت یا تضمن و ملازمت باشد» (همایی، ۱۳۸۲: ص ۲۵۷). این آرایه سبب انسجام و زیبایی شعر می‌شود و موجب فهم بهتر آن می‌گردد. آرایه تناسب بسامد چندانی در پند نامه ندارد:

ز آب و نان تا لب، شکم را پُر مساز همچو حیوان بهر خود آخور مساز
(عطار، ۱۳۷۳: ۵۸)

از برای نفس، مرغ نامراد آمد و در دام صیاد اوفتاد
(همان: ۶۵)

تضاد: زمانی که شاعر در شعر خود کلماتی متضاد و ضد یکدیگر را بیاورد و این آرایه زمانی زیباست که بدیع باشد و غرایب داشته باشد و خبری نباشد (ر.ک اشراقی، ۱۳۹۲: ص ۸۶). عطار در پند نامه از این آرایه بغراوانی استفاده کرده است.

هر که کار نیک یا بد می‌کند آن همه می‌دان که با خود می‌کند
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۷۴)

پارادوکس: بنا بر نظر شمیسا پارادوکس مهمترین نوع تضاد در ادبیات است و اینکه پارادوکس یا متناقض نما زمانی است که تضاد بمعنای غریب بظاهر متناقضی منجر شود و با توجیهات عرفانی، مذهبی، ادبی قابل توجیه باشد (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۱۱۱). تنها یک مورد از این آرایه در پندنامه دیده شد و بسامدی در این اثر ندارد.

خشم خوردن پیشه هر سرور است تلخ باشد، از شکر شیرین تر است
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۲)

تلمیح: زمانی که شاعر در خلال شعر و سخن خود به آیه، حدیث، داستان، واقعه یا مثل و شعری معروف اشاره نماید از آرایه تلمیح استفاده کرده است که در آن کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیاری دلالت میکند (ر.ک داد، ۱۳۷۱: ص ۷۷). اغلب تلمیحات پند نامه دینی است و عطار به داستان پیامبران و آیات قرآنی در شعر خود اشاره دارد.

تلمیح به داستان پادشاهی حضرت سلیمان

با سلیمان داد ملک سروری شد مطیع خاتمش دیو و پری
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۴۷)

تلمیح به داستان معراج پیامبر

آنکه آمد نه فلک معراج او انبیاء و اولیاء محتاج او
(همان: ص ۴۹)

حس آمیزی: در این آرایه گوینده در بیان خود چند حس مختلف را با هم می آمیزد (ر.ک صادقیان، ۱۳۸۷: ص ۷۵).

ای برادر گر خرد داری تمام نرم و شیرین گوی، با مردم کلام
(همان: ص ۵۵)

سیاقه الاعداد: زمانی که شاعر برای تأکید، زیبایی و یا تقویت معنا از اعداد در کلام خویش استفاده کند از این آرایه استفاده کرده است. در پند نامه، عطار از این آرایه جهت تأکید بفرآوانی استفاده کرده است.

نفس نتوان کشت الا با سه چیز چون بگویم، یاد بگیرش ای عزیز
(همان: ص ۶۱)

تنسیق الصفات: آرایه تنسیق الصفات آن است که شاعر برای یک اسم چند صفت متوالی بیاورد و یا برای یک فعل قیدهایی مختلفی ذکر کند. این آرایه از نظر بدیع لفظی نیز دارای ارزش هنری و زیبایی است، چرا که در آن مصوت کوتاه o یا e و یا سکوت (مکث) تکرار و همین موجب زیبایی از نظر موسیقی می شود (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۱۶۰).

با زن و کودک مکن بازی، هلا تا نگردي خوار و زار و مبتلا
(همان: ص ۸۳)

تفصیل المجلل یا ایضاح بعد از ابهام: این آرایه از فروع آرایه تقسیم است که در آن مجمل که به طور معمول با عدد بیان میشود را تفصیل داده و بگشایند و به همین دلیل به آن تفصیل المجلل گفته میشود (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۱۶۶ - ۱۶۷). با توجه به اینکه پند نامه عطار مضمونی تعلیمی در باب همه تعالیم اخلاقی دارد عطار از این روش بفرآوانی استفاده کرده است:

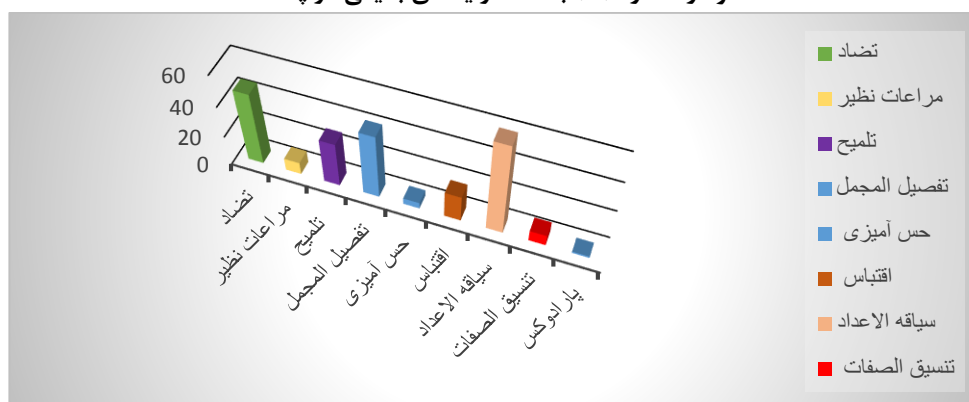
شد دو خصلت، مرد ابله را نشان صحبت صبیان و رغبت با زنان
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۸۰)

اقتباس: آرایه اقتباس آن است که «بمناسبت معنی کلام، آیه ای از قرآن یا حدیث در متن ذکر شود» (شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۱۲۶). این آرایه در پند نامه عطار بسبب محتوای تعلیمی و دینی آن بکار رفته است اما بسامد

چندان بالایی ندارد. لاتقنطوا در بیت زیر اقتباسی است از آیه ۵۳ سوره زمر «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...» (زمر: ۵۳).

مغفرت دارد امید، از لطف تو زانکه خود فرموده‌ای لاتقنطوا
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۰)

نمودار شماره (۱۰) بسامد آرایه‌های بدیعی در پندنامه



آرایه‌های بیانی

تشبیه: زمانی که شاعر چیزی را به چیز دیگری در صفتی یا ویژگی مشترک همانند میکند آرایه تشبیه ایجاد میشود. شفیع کدکنی در تعریف تشبیه میگوید: «یکی از صور خیال است و در اصطلاح همانندی و شباهتی است که از جهت یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد» (شفیع کدکنی، ۱۴۰۳: ص ۵۳). عطار در پند نامه از تشبیهات متنوعی استفاده کرده است.

انواع تشبیه به اعتبار مفرد و مرکب بودن طرفین:

الف) تشبیه مفرد به مفرد

مشبه: دنیا مشبه به: مار

زهر دارد در درون دنیا چو مار گرچه بینی ظاهرش نقش و نگار
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۶)

مشبه: مرد مشبه به: مگس

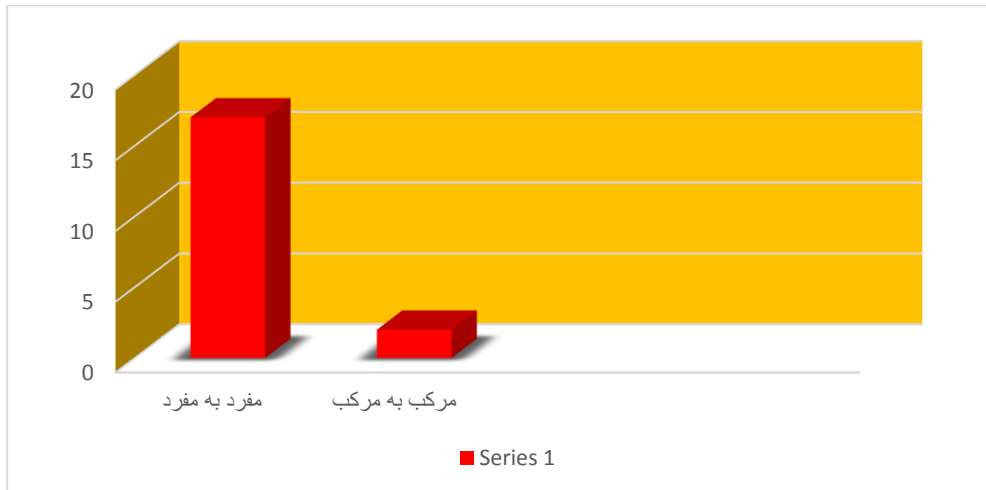
اول آن باشد که مانند مگس مرد ناخوانده شود مهمان کس
(همان: ص ۸۳)

ب) تشبیه مرکب به مرکب

مشبه: کسی که اعمالش از ریا پاک نباشد مشبه به: نقش بوریا که بی حاصل است

چون نباشد پاک، اعمال از ریا است بی حاصل چو نقش بوریا
(همان: ص ۵۳)

نمودار شماره (۱۱) بسامد انواع تشبیه به اعتبار مفرد و مرکب بودن در پند نامه



انواع تشبیه بر اساس حسی و عقلی بودن طرفین

الف) تشبیه حسی به حسی: در این نوع تشبیه دو طرف تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به هر دو امری محسوس هستند.

صحبت ظالم بسان آتش است زآنکه خلق آزار و تند و سرکش است
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۱۰۵)

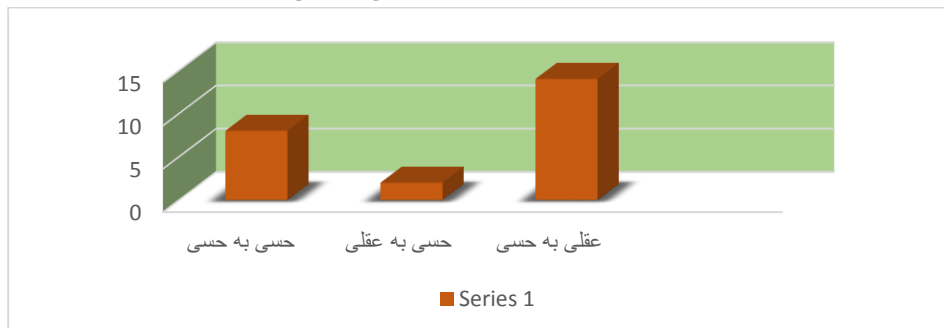
ب) حسی به عقلی: در این نوع تشبیه امری حسی به امری عقلی تشبیه میشود، یعنی مشبه حسی و مشبه‌به عقلی است.

ای پسر، با یاد حق مشغول باش وز خلاق دور همچو غول باش
(همان: ص ۶۱)

ج) عقلی به حسی: در این نوع تشبیه مشبه امری عقلی و مشبه‌به امری حسی است. بسامد این نوع تشبیه در پندنامه بالاست.

بی خرد، دانش وبال است ای پسر علم مرغ و عقل بال است، ای پسر
(همان: ص ۷۳)

نمودار شماره (۱۲) بسامد انواع تشبیه بر اساس حسی و عقلی بودن طرفین در پندنامه



انواع تشبیه به اعتبار ادات و وجه شبه

الف) تشبیه مرسل یا صریح: در این نوع تشبیه ادات تشبیه ذکر میشود (ر.ک علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۸:ص ۸۷).

همچو طفلان منگر اندر سرخ و زرد چون زنان، مغرور رنگ و بو مگرد
(عطار، ۱۳۷۳:ص ۵۶)
زال دنیا چون عروس آراسته است هر زمانی شوی دیگر خواسته است
(همان:ص ۵۶)

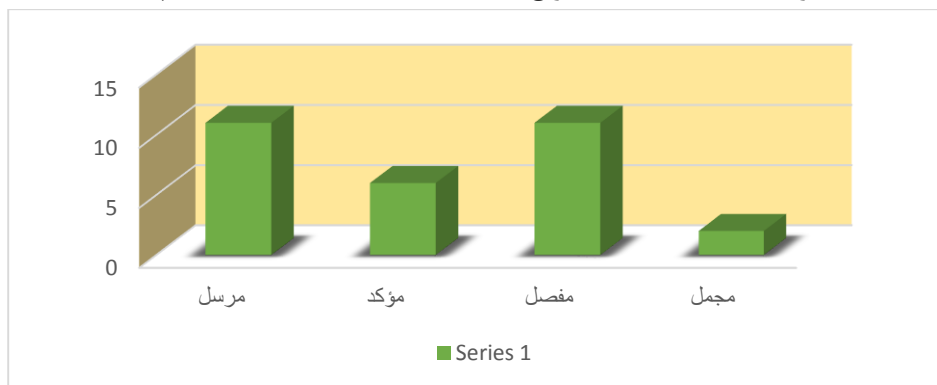
ب) تشبیه مؤکد: اگر ادات تشبیه حذف گردد، تشبیه مؤکد نامیده میشود (ر.ک علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۸:ص ۸۶).

بی خرد، دانش و بال است ای پسر علم مرغ و عقل بال است، ای پسر
(عطار، ۱۳۷۳:ص ۷۳)

ج) تشبیه مفصل: در تشبیه مفصل وجه شبه ذکر میشود (ر.ک علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۸:ص ۸۷).
صحبت ظالم بسان آتش است زآنکه خلق آزار و تند و سرکش است
(عطار، ۱۳۷۳:ص ۱۰۵)

د) تشبیه مجمل: در تشبیه مجمل وجه شبه ذکر نمیشود (ر.ک علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۸:ص ۸۸).
دل ز پر گفتن بمیرد در بدن گر چه گفتارش بود در عدن
(عطار، ۱۳۷۳:ص ۵۲)

نموار شماره (۱۳) بسامد انواع تشبیه به اعتبار ادات و وجه شبه در پندنامه



اقسام دیگر تشبیه

الف) تشبیه بلیغ: در تشبیه بلیغ ادات و وجه شبه حذف میشود. این نوع تشبیه زیباترین شکل تشبیه بشمار میرود به این دلیل که ادعای همانندی بین مشبه و مشبه به قوی تر است (ر.ک علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۸:ص ۸۸). از نمونه های آن در پندنامه:

قرب سلطان آتش سوزان بود با بدان، الفت هلاک جان بود
(عطار، ۱۳۷۳:ص ۶۵)

(ب) **تشبیه بلیغ اضافی**: در تشبیه بلیغ مشبه به مشبه اضافه میشود. بسامد این نوع تشبیه نسبت به انواع دیگر تشبیه در پندنامه بالاست.

پاک اگر داری عمل را از ریا شمع ایمان تو را باشد ضیا
(همان: ص ۵۳)

(ج) **تشبیه مضمّر**: در تشبیه مضمّر با نوعی تشبیه پنهان مواجه هستیم در تشبیه مضمّر بشل ظاهر با ساختار تشبیه روبرو نیستیم اما مقصود شاعر یا نویسنده از آن، تشبیه است (ر.ک شمیسا، ۱۳۹۴: ص ۴۹).

مر تو را از دادن جان چاره نیست رهنزنت جز نفسک اماره نیست
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۷)

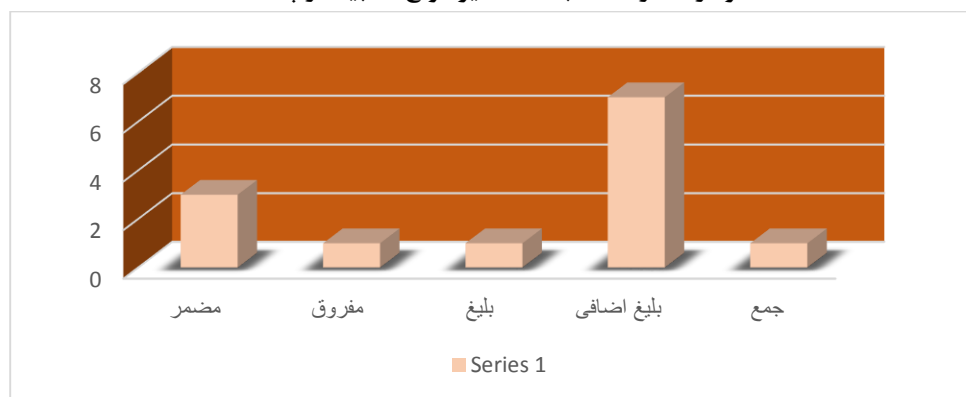
(د) **تشبیه جمع**: در تشبیه جمع چند مشبه به برای یک مشبه آورده میشود. چنانکه شمیسا در مورد آن میگوید که «آن است که برای یک مشبه چند مشبه بیاورند» (شمیسا، ۱۳۹۴: ص ۱۲۰).

همچو طفلان منگر اندر سرخ و زرد چون زنان، مغرور رنگ و بو مگرد
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۶)

(ر) **تشبیه مفروق**: تشبیهی است که در آن شاعر چند تشبیه را بیان میکند بشکلی که هر مشبه به همراه و نیز در کنار مشبه به خود قرار میگیرد (ر.ک علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۸: ص ۱۰۵).

بی خرد، دانش و بال است ای پسر علم مرغ و عقل بال است، ای پسر
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۷۳)

نمودار شماره (۱۴) بسامد سایر انواع تشبیه در پند نامه



استعاره: استعاره عبارت است از آن که، یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشد، لفظ را مستعار و معنی مراد یا مشبه را مستعار له و مشبه به را مستعار منه و وجه شبه را جامع گویند» (همایی، ۱۳۸۲: ص ۲۴۹). عطار در پند نامه از استعاره چندان استفاده نکرده است. سرای خلد در بیت زیر استعاره مصرحه از بهشت است.

با فقیران هر که همدم میشود در سرای خلد محرم میشود
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۱۰۹)

مار در بیت زیر استعاره مصرحه از دنیا است.

زهر این مار منقش قاتل است باشد از وی دور کو، عاقل است
(همان: ص ۵۶)

در ابیات زیر نفس را همچون انسان در زندان کردن یا سرکوب کردن و خوار داشتن نفس همانند انسان استعاره مکنیه است.

نفس را آن به که در زندان گئی هر چه فرماید، خلاف آن کنی
(همان: ص ۶۳)

کنایه: «کنایه در واژه فرونهادن آشکارگی است در سخن؛ زیرا سخنور بجای آنکه اندیشه خویش را، آشکارا و یک‌باره در سخن بگنجانند و روشنی باز نماید، آن را در کنایه فرو می‌پیچد و بشیوه پوشیده و بسته در سخن می‌آورد، ارزش زیبا شناختی کنایه در آن است که سخن دوست، با درنگ و تلاش ذهنی می‌باید سرانجام بمعنای پوشیده و فروپیچیده در کنایه راه برد و راز آن را بگشاید» (کزازی، ۱۳۶۸، ج ۱: ص ۱۵۶). بسامد استفاده از کنایه در پند نامه زیاد است. در بیت زیر، مهر بر دهان نهادن کنایه از سکوت کردن است.

هر که می‌خواهد که باشد در آمان مهر می‌باید نهادن بر دهان
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۷۴)

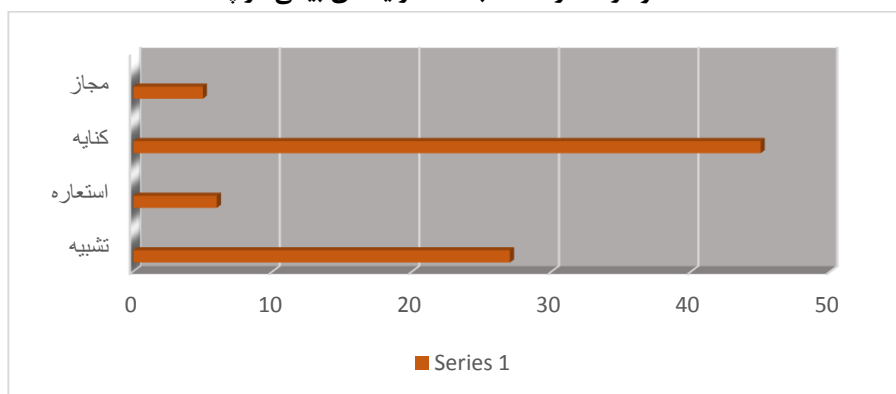
مجاز: «استعمال لفظ در معنی غیر اصلی و موضوع حقیقی بمناسبتی، به آن مناسبت در اصطلاح فن بدیع علاقه گویند و اگر علاقه چیزی غیر از شباهت باشد آن را مجاز مرسل مینامند» (همایی، ۱۳۸۲: ص ۲۴۷). در بیت زیر خاک به علاقه ماکان، مجاز از انسان است:

جمد بی حد آن خدای پاک را آنکه ایمان داد مشتی خاک را
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۴۷)

خاص و عام در بیت زیر مجاز از همه افراد است.

هر که مهمانت شود از خاص و عام پیش او می‌باید آوردن طعام
(همان: ص ۹۱)

نمودار شماره (۱۵) بسامد آرایه‌های بیانی در پندنامه



سطح فکری

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد و از نام «پندنامه» مشخص است پندنامه عطار مضمونی اخلاقی - تعلیمی مشتمل بر پند و اندرز دارد. این اثر شامل تعالیم اخلاقی ارزشمند در قالب ۷۹ عنوان است که پس از ستایش

پروردگار و معرفی پیامبران الهی، بویژه در نعت پیامبر گرامی اسلام (ص)، بتفصیل بشرح مباحث اخلاقی و پندآموز میپردازد. در این اثر موضوعاتی چون مبارزه با نفس اماره، فواید خاموشی، صفت اهل ایمان و عمل خالص، سیرت ملوک، سبب نیکبختی و عافیت، گفتار درویشان و ترک دنیا، مجاهده نفس، در بیان علامتهای بخیل، در بیان حاجت خواستن، در بیان قناعت، صدقه دادن، صبر، صحبت صالحان و اجتناب اهل ظلم، صله رحم و زیارت خویشاوندان و ده‌ها موضوع اخلاقی و آداب معاشرت دیگر را بروشنی تبیین میکند و راهنماییهای عملی برای مخاطب ارائه میدهد تا در پرتو این اندرزها، به تعالی معنوی دست یابند. در ادامه برخی از این موضوعات اخلاقی را بیان میکنیم.

در بیان مخالفت نفس اماره

آن بُود ابله‌ترین مردمان کز پی نفس و هوا باشد دوان
(عطار، ۱۳۷۳: ص ۵۱)

در بیان فواید خاموشی

ای برادر گر تو هستی حق طلب جز به فرمان خدای مگشای لب
(همان: ص ۵۲)

در سیرت ملوک

چار خصلت ای بردار در جهان پادشاهان را همی دارد زیان
پادشه چون در ملأ خندان بُود بی‌گمان در هیبتش نقصان بود
باز، صحبت داشتن با هر فقیر پادشاهان را همیدارد حقیر
با زنان بسیار اگر خلوت کند خویشان را شاه بی‌هیبت کند
(همان: ص ۵۴)

در بیان قناعت

با قناعت ساز دایم، ای پسر گرچه هیچ از فقر، نَبُود تلختر
(همان: ص ۹۵)

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی سبک‌شناسانه پندنامه عطار در سطوح واژگانی، نحوی، زبانی، ادبی و فکری نشان میدهد که این اثر در خدمت محتوای تعلیمی و اخلاقی خود سروده شده است. در سطح واژگانی، بسامد بالای واژگان انتزاعی و اصطلاحات دینی در کنار کاربرد نسبتاً محدود واژه‌های حسی، عامیانه و ترکیبات نو، بیانگر گرایش ذهنی و معرفتی این اثر است. فراوانی واژه‌های عربی و مفاهیم اعتقادی و ذهنی همچون ایمان، اخلاص، توکل، قناعت و صبر نیز با کارکرد تعلیمی متن هماهنگ است. در سطح نحوی، هنجارشکنیهای دستوری، به‌ویژه جابه‌جایی فعل و تقدیم و تأخیر اجزای جمله بویژه فعل، سبب برجستگی کلام و تأکید معنایی شده و وجه خبری و امری بیشترین نقش را در انتقال پیامهای پندآموز ایفا کرده‌اند. در سطح زبانی و آوایی، این اثر بر وزن رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) سروده شده که متناسب موضوعات پند و اندرز و حکمت است. همچنین تنوع قافیه و ردیف، و بهره‌گیری گسترده از موسیقی درونی همچون جناس، سجع، تکرار و واج‌آرایی، به انسجام و تأثیرگذاری کلام پندنامه افزوده است. از نظر ادبی، استفاده از آرایه‌های متنوع بدیعی همچون تضاد، تناسب، تلمیح، سیاقه‌الاعداد، تفصیل‌المجمل و تنسیق الصفات و آرایه‌هایی بیانی همچون تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز بر غنای

بدیعی و بیانی اثر افزوده است. در سطح فکری نیز همان‌طور که از نام «پندنامه» نمایان است مضامین اخلاقی، تعلیمی و تربیتی و آداب معاشرت هسته اصلی اندیشه عطار در این اثر را شکل می‌دهند.

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی ایشان است و نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعده نویسنده مسئول است و مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرد.

REFERENCES

- The Holy Quran. Translated by Baha'uddin Khorramshahi.
- Ishraqi. Seyyed Ali Mohammad (2013). Novel. Kabul: Lazur, p. 86.
- Afkari. Mohsen and others (2023). "Review and analysis of the intellectual style of Morteza Amiri Esfandigheh's poems based on the theory of layered stylistics". Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Former Bahar Adab). Year 16. Issue 12. Serial 94, pp. 31-48.
- Hakemi. Ismail (1994). "Review of Attar's Advice". Kayhan Farhangi. Issue 120, pp. 68-69.
- Dad. Sima (1992). Dictionary of Literary Terms. Tehran: Morvarid, p. 77.
- Zulfiqari. Mohsen and others (2024). "Linguistic and Intellectual Stylistics of Haji Mohammad Gilani's Divan and Introduction of Its Manuscripts". Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Former Bahar Adab). Year 17. Issue 7. Series 101. pp. 35-66
- Zarin Kob. Abdol Hossein (2002). Untruthful Poetry: Unmasked Poetry. Eleventh Edition. Tehran: Elmif Publishing House, p. 176.
- _____ (1999). The Sound of the Simorgh Wing. Tehran: Sokhanf, p. 25-27.
- Sajjadi. Seyyed Zia al-Din (1996). Attar's Advice and Some Works Attributed to Him. Shadow in the Sun. (Collection of articles from the World Congress in Commemoration of Attar Neyshaburi, Mehr 1374, Neyshabur. Vol. 2. Tehran: Melif Works Society, p. 271.
- Shafegat. Shafiqullah (2017). Introduction to the Persian Dari Language and Literature. Kabul: Parand Publications, p. 127.
- Shafqat. Shafiqullah and Masta'li Parsa. Gholamreza (2014). "A Stylistic Study of the Ghazals of the King of Poets by Qari Abdullah". Scientific Journal of Persian

- Poetry and Prose Stylistics (Former Bahar Adab). Year 17. Issue 1. Serial 95. pp. 179-206.
- Shafi'i Kadkani. Mohammad Reza (2011). Poetry Music. Second Edition. Tehran: Agah, p. 39.
- _____ (2017). Mirror Poets. Tehran: Agah, p. 64.
- _____ (2017). Imagination Forms in Persian Poetry. Twenty Editions and fourth. Tehran: Ageh, p. 53.
- _____ (1979). Periods of Persian Poetry from Constitutionalism to the Fall of the Monarchy. Tehran: Toos, 95.
- Shamisa. Sirus (1994). Generalities of Stylistics. Volume 2. Tehran: Ferdows, p. 156.
- _____ (1995). Bayan. Fourth edition. Tehran: Mitra, pp. 49-120.
- _____ (1986). A New Look at Badi'. Tehran: Ferdows, pp. 24-33-49-61-53-54-56-74-126-111-160.
- Sadeghian. Mohammad Ali (1987). The Ornament of Speech in Persian Badi'. Tehran: Yazd University Press, p. 75.
- Attar Neyshaburi. Sheikh Farid al-Din (1994). Advice. Correction: Sylvester Dossasi. Translated by Abdol Mohammad Rooh Bakhshan. Tehran: Asatir.
- Alavi Moghadam. Mohammad and Ashrafzadeh. Reza (2009). Meanings and Expression. 9th edition. Tehran: Samat, pp. 86-87-88-105.
- Futohi Rud majani. Mahmoud (2012). Stylistics, theories, approaches and methods. Tehran: Sokhan, p. 251.
- Farshidvard. Khosrow (2003). About literature and literary criticism. Volume 2. Tehran: Amir Kabir, p. 381.
- Fatourechi. Minoo (2009). "Who is the composer of the advice". Specialized quarterly journal of Persian language and literature. Issue 1. pp. 140-146.
- Kazazi. Mir Jalal al-Din (2009). Aesthetics of Persian speech (1). Expression. Tehran: Markaz, p. 156.
- Mohseni. Ahmad (2006). Radif and music. Tehran: Ferdows, p. 168.
- Madadi. Hassan (2006). Prosodic and Rhyme (A New Look at the Meters and Rhythms of Persian Poetry). Tehran: Tirgan Publications, p. 168.
- Vahidian Kamyar. Taghi (2004). Novel from the Aesthetic Perspective. Tehran: Dostan, p. 17.
- Homaiei. Jalal al-Din (2003). Rhetoric Techniques and Literary Crafts. Tehran: Homa, pp. 74-47-257-249.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی.
اشراقی. سید علی محمد (۱۳۹۲). بدیع. کابل: لاجورد، ص ۸۶.

افکاری. محسن و دیگران (۱۴۰۲). «بررسی و تحلیل سبک فکری اشعار مرتضی امیری اسفندقه بر اساس نظریه سبک‌شناسی لایه‌ای». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال شانزدهم. شماره دوازدهم. پی در پی ۹۴، صص ۳۱-۴۸.

حاکمی. اسماعیل (۱۳۷۴). «مروری بر پندنامه عطار». کیهان فرهنگی. شماره ۱۲۰، صص ۶۸-۶۹. داد. سیما (۱۳۷۱). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید، ص ۷۷.

ذوالفقاری. محسن و دیگران (۱۴۰۳). «سبک‌شناسی زبانی و فکری دیوان حاجی محمد گیلانی و معرفی نسخه‌های خطی آن». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال هفدهم. شماره هفتم. پی در پی ۱۰۱. صص ۳۵-۶۶.

زرین کوب. عبدالحسین (۱۳۸۱). شعر بی‌دروغ: شعر بی‌نقاب. چاپ یازدهم. تهران: نشر علمیف ص ۱۷۶.

زرین کوب. عبدالحسین (۱۳۷۸). صدای بال سیمرغ. تهران: سخن صص ۲۷-۲۵.

سجادی. سید ضیاءالدین (۱۳۷۵). پند نامه عطار و چند اثر منسوب به او. سایه در خورشید. (مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری مهر ۱۳۷۴ نیشابور. ج ۲. تهران: انجمن آثار ملی ص ۲۷۱.

شفقت. شفیق‌الله (۱۳۹۶). آشنایی با زبان و ادبیات فارسی دری. کابل: انتشارات پرند، ص ۱۲۷.

شفقت. شفیق‌الله و مستعلی پارسا. غلامرضا (۱۴۰۳). «بررسی سبک‌شناسانه غزل‌های ملک‌الشعراء قاری عبدالله». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال هفدهم. شماره یکم. پی در پی ۹۵. صص ۱۷۹-۲۰۶.

شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۳۷۰). موسیقی شعر. چاپ دوم. تهران: آگاه، ص ۳۹.

شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۳۷۶). شاعرآینه‌ها. تهران: آگاه، ص ۶۴.

شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۴۰۳). صور خیال در شعر فارسی. چاپ بیست و چهارم. تهران: آگاه، ص ۵۳.

شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۳۵۹). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: توس، ۹۵.

شمیسا. سیروس (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. جلد دوم. تهران: فردوس، ص ۱۵۶.

شمیسا. سیروس (۱۳۹۴). بیان. چاپ چهارم. تهران: میترا، صص ۴۹-۱۲۰.

شمیسا. سیروس (۱۳۸۶). نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس، صص ۲۴-۳۳-۴۹-۶۱-۵۳-۵۴-۵۶-۷۴-۱۲۶-۱۱۱-۱۶۰.

صادقیان. محمد علی (۱۳۸۷). زیور سخن در بدیع فارسی. تهران: انتشارات دانشگاه یزد، ص ۷۵.

عطار نیشابوری. شیخ فریدالدین (۱۳۷۳). پندنامه. تصحیح: سیلویستر دوساسی. ترجمه عبدالمحمد روح‌بخشان. تهران: اساطیر.

علوی مقدم. محمد و اشرف زاده. رضا (۱۳۸۸). معانی و بیان. چاپ نهم. تهران: سمت، صص ۸۶-۸۷-۸۸-۱۰۵.

فتوحی رودمجنی. محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها. تهران: سخن، ص ۲۵۱.

فرشیدورد. خسرو (۱۳۸۲). درباره ادبیات و نقد ادبی. جلد دوم. تهران: امیرکبیر، ص ۳۸۱.

فطوره‌چی. مینو (۱۳۸۸). «سراینده پندنامه کیست». فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱. صص ۱۴۰-۱۴۶.

کزازی. میرجلال‌الدین (۱۳۶۸). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (۱). بیان. تهران: مرکز، ص ۱۵۶.

محسنی. احمد (۱۳۸۵). ردیف و موسیقی. تهران: فردوس، ص ۱۶۸.

مددی. حسن (۱۳۸۵). عروض و قافیه (نگاهی تازه به اوزان و ضرب آهنگ شعر فارسی). تهران: انتشارات تیرگان. ص ۱۶۸.

وحیدیان کامیار. تقی (۱۳۸۳). بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی. تهران: دوستان، ص ۱۷.
همایی. جلال الدین (۱۳۸۲). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما، صص ۷۴-۴۷-۲۵۷-۲۴۹.

معرفی نویسنده

محمدهادی مرادی: دانش‌آموخته دکتری و مدرس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.
(Email: moradi99hadi@gmail.com)
(ORCID: 0009-0004-9292-8638)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Mohammad Hadi Moradi: PhD student and lecturer in Persian language and literature, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran
(Email: moradi99hadi@gmail.com)
(ORCID: 0009-0004-9292-8638)